



روزنامه فرهنگ و هنر

مسعود رادای؛ تهیه‌کننده فیلم «سال دوم دانشکده من» در گفت‌وگو با «صبا»:

با برداشت‌های خودشان فیلم را می‌بینند

سرمقاله



مهر داد محمدپور
نویسنده و نویسنده

مردی با چشم‌های شسته!

۱۵ مهر هر سال، یادآور زادروز شاعر و نقاش معاصر ایرانی، زنده‌یاد سهراب سپهری است؛ او که یکی از شاعران نوگرای پیرو سبک نیماسم، پس از مدتی با زبان خاص خود، به بیان مضامین و مفاهیم مختلف می‌پردازد. از ویژگی‌های مهم سبک شعری او می‌توان به تشخیص (جان‌بخشی به اشیاء)، حس آمیزی، وجود تشبیهات و استعارات تازه و واسپاری صفت به مضاف به جای موصوف، اشاره کرد؛ آنچه بیشتر در شعر سهراب مورد توجه قرار می‌گیرد، شاد بودن و لذت بردن از لحظه اکنون است. به این شیوه، دم را غنیمت دانستن نزد او مقدس است. شاد بودن در قاموس او، نه به معنای آلودن خود و دیگران به هوی و هوس است؛ نه به معنای ریاضت و ترک دنیا.

در عرفان او، جهان حجاب نیست و در سروده‌هایش، همه را به سیر در لحظات ناب و فرحناک هستی فرامی‌خواند. اشعارش گاه همچون هایکوها به هم پیوسته، پیوند نامرئی با یکدیگر دارند؛ مانند گالری تابلوهای کوچک نقاشی که بیننده، خود را در هر یک از آن‌ها می‌بیند، از منظر شعر به آبدی‌ها سفر می‌کند، نقاشی می‌بیند، موسیقی می‌شنود. سهراب نگاهی تازه به هستی دارد؛ نگاهی یگانه به همه چیز.

سهراب در زمانه ماست اما به شدت احساس غربت می‌کند. این ویژگی شخصیتی شاعر در شعر و زندگی شخصی‌اش نیز به خوبی نمایان است. از سپهری پرتره و عکس‌های زیادی به‌جا مانده اما این موضوع را که به‌جز یکی دو ویدئوی بی‌صدای بسیار کوتاه، صدا و تصویر دیگری از وی ضبط نشده است، می‌بایست یکی از حسرت‌های همیشگی تاریخ شعر معاصر تلقی کرد. گویی هرگز در این عصر نبوده و در گمشدگی ازلی ابدی به‌سر می‌برد!

علاقه وافرش به عکس و نقاشی که بیانگر ثبت لحظه‌اند و نه زمان جاری، شاید ریشه در همین تمایل به جاودانگی در بی‌زمانی دارد. او می‌گوید انسان همیشه باید کودک بماند! این در صورتی ممکن است که زمان را ازلی ابدی ببینیم؛ مرگ را سرانجام کار انسان ندانیم؛ در صنعتی‌ترین عصر، قدیمی باشیم؛ طبیعت را دوست بداریم و شاعرانه زندگی کنیم. این هستی‌شناسی عرفانی او در شعر فارسی بی‌همتاست و یادآور تفکر ذن، تناسخ و عرفان‌های شرق دور است.

سهراب ما را به فضاهای ناآشنایی که با تخیل شگفتی‌زای خود کشف کرده است، دعوت می‌کند. او دارای اندیشه‌ی عرفانی خاصی است و آمیختگی این عرفان تازه با اشیاء، متأثر از آشنایی شاعر با شرق دور است. سفرهای او به ژاپن، هند و سایر نقاط جهان، جهت آشنایی با فرهنگ و هنر جوامع دیگر، علاقه‌اش به فلسفه بودایی، تمایلش به اندیشه‌های کریشنا مورتی، آشنایی‌اش با زبان‌های فرانسه و انگلیسی و مطالعه شعر، ادبیات، هنر و فلسفه ملل مختلف، در شعر، نقاشی و حتی زندگی شخصی‌اش، تأثیر گذار بوده است؛ این تأثیرپذیری عمیق را می‌توان در کتاب انشاگونه «تاق آبی» ردیابی کرد.

تأملات و تصورات سهراب در سروده‌هایش گاه چنان رنگ اسطوره‌ای به خود می‌گیرد و رمزآمیز می‌شود که ره‌یافت به اندیشه‌ی او دشوار و نیازمند کوشش ذهنی و تفسیر است؛ به‌گونه‌ای که برای کشف ارتباط واژگان با یکدیگر و درک صحیح مفاهیم آن‌ها، مراجعه به اشعار قبلی شاعر اجتناب‌ناپذیر است.

نگاهی به برخی از معضلات سینمای کودک در هفته ملی کودک

مهم اما مهجور!

امیر داسارگر؛ کارگردان فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع»:

سازندگان آثار کودک جدی گرفته نمی‌شوند

مجتبی فرآورده؛ تهیه‌کننده «۲۳ نفر»:

نباید خودمان را با سینمای هالیوود مقایسه کنیم

محمد رضا هاشمی؛ بازیگر نمایش «زیبا» در گفت‌وگو با «صبا»:

با این نمایش قابلیت‌هایم را در بازیگری نشان می‌دهم